

عنوان مقاله: شکل گیری نظام وظیفه در ایران و طرح ملت سازی
در دوره پهلوی اول

نویسنده: محمد نیازی و وحید شالچی

منبع: جامعه شناسی تاریخی - دوره ۵ شماره ۳ پاییز و زمستان ۱۳۹۲
صفص ۶۹-۴۱

چکیده:

- شکل های ابتدایی نظام وظیفه نخستین بار در چارچوب ارتش های پادشاهی و دولت های مستقل از کلیسا در اروپای غربی به وجود آمد توانست واسطه ای بین دولت و مت در ابتدای عصر مدرنیته و وسیله ای برای گسترش نظامی گری حاکمان و شاهان باشد. در ابتدای قرن هجدهم میلادی ، تقسیم کار اجتماعی، پیشرفت تکنیکی و صنعتی شدن سبب شد تا ارتش های مدرن و نظام وظیفه ای که از اولین نهادهای بوروکراتیک نیز به شمارمی آمدند شکل بگیرند، سپس در انقلاب فرانسه به عنوان ساز و کاری اساسی در جهت تامین نیروی انسانی ارتش انقلابی ثبت شدند این پدیده در غرب پس از **مجموعه تحولات اندیشه ای و اجتماعی** پدید آمده بود، در ایران دوره پهلوی اول به عنوان بخشی از طرح مدرن سازی و ثبت حکومت استبدادی رضاخان شکل گرفت.

• **بسط عناصر هویت ملی گرایانه** و مطیع گشودن نیروهای سنتی جامعه ایران در برابر استبداد مطلقه حکومت به وسیله آموزش‌ها و هنجارسازی عمومی و فraigیر، از کارکردها و کارویژه‌های مهم ارتش و نظام خدمت اجباری در کنار تاثیرات و خدمات سیاسی و نظامی دیگرش در تاسیس و ابقاء حکومت پهلوی بود. نظام وظیفه علاوه بر خلع سلاح عمومی، به حکومت پهلوی اول این امکان رمی داد تا با گسترش اقتدار نظامی، پایه‌های حکومتش را محکم کند. ایجاد ارتش یکپارچه و خدمت اجباری عمومی یکی از اولین تلاش‌های سامان مند و همه جانبه برای خلق شهروندان نظام جدید سیاسی مبتنی بر ایده دولت-ملت در تاریخ ایران است.

ایجاد ارتش یکپارچه و خدمت
اجباری عمومی

واژه های کلیدی:

- تاریخ اجتماعی ارتش، خدمت اجباری، نظام وظیفه عمومی، ارتش جدید، هویت ملی، دوره پهلوی

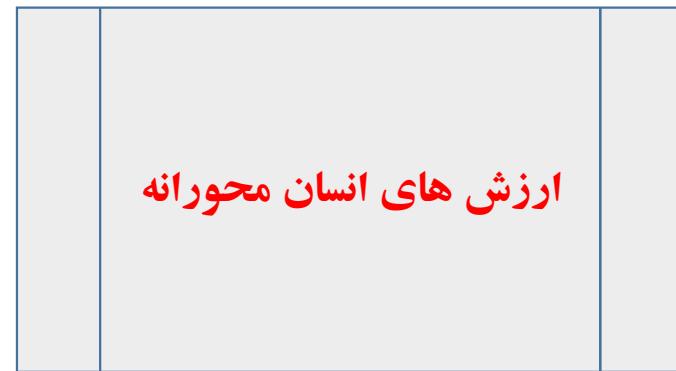


۱- طرح مساله

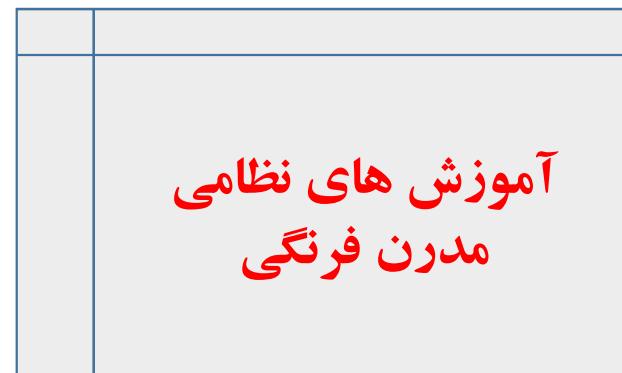
در تاریخ سربازان همیشه یکی از ارکان اصلی ارتش و نیروهای نظامی به شمار می‌رفته‌اند و به عبارت دقیق‌تر می‌توان گفت هیچ سپاه و کانون مقتدری بدون این بازوی اجرایی به وجود نیامده. اما چگونگی تأمین این نیروی انسانی در دوره‌های مختلف یکسان نبوده است تا پیش از فراگیر شدن حکومت‌های ملی و ارتش‌های یکپارچه بیشتر سربازان و سپاهیان ارتش‌ها برای مقاصد و منافع قومی و قبیله‌ای با انگیزش‌های دینی و مذهبی گردیدند.

• نخستین بار، پس از قرارداد وستفالی و ظهور دولت های ملی مستقل از کلیسا در اروپای غربی، زمینه برای برپایی ارتش های متکی بر خدمت اجباری سربازی به وجود آمد. «با ایجاد دولت-ملت، برقراری حاکمتی ملی و رواج ناسیونالیسم نظام وظیفه عمومی به روش مطمئن تامین منابع انسانی پیرامون ارتش های نوین تبدیل شد. (سینایی، ۱۳۸۹، ۹۶) از آن تاریخ به بعد، نظام وظیفه فقط ساز و کاری برای جذب نیروی انسانی ارتش نبود. بلکه افزون بر آن، وسیله ای برای پیوند ارتش با ملت و هویابی افراد ملت در حیطه مرزهای مشخص ملی بود.

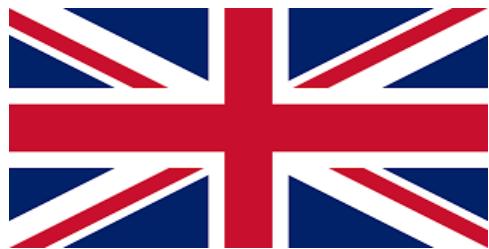
- شکل گیری نهاد ارتش مدرنو نظام هر چند وظیفه هرچند تغییر ساختارهای سیسای و نظامی را در پی داشت، تولد این نهاد در جوامع اروپایی، خود فراع بر تحولاتی گسترده تر در لایه های زیرین اجتماعی بود. از این رو ارتش مدرن حلقه های پایانی و کامل کننده پیدایش جامعه مدرن مبتنی بر ارزش های انسان محورانه به شمار می رفت نه آغاز گر آن.



- تاریخ نظام وظیفه عمومی در ایران، بر خلاف روندی که در جوامع اروپایی طی شد، فرایندی وارونه داشت. پس از جنگ های روس و ایران که در آن ایرانیان به ضعف نظامی خود، رویارویی با مهاجمان خارجی و قدرت سرزمین های اروپایی آگاه شدند، در صدد برآمدند تا با وام گیری فناوری و آموزش های نظامی مدرن فرنگی این نقص را جبران کنند.



- شکست در جنگ های متعدد از دولت های فربی نظر روسیه و انگلستان باعث شده بود تا حاکمان قاجار و خبگان سیاسی و نظامی ایران به قدرت و کارامدی سلاح ها و آموزش های نظامی اروپایی ایمان بیاورند. اما ناتوانی و بحران های سیاسی و اجتماعی و نیز سلطنه قدرت های استعماری سبب شده بود تا ان ها از مناسبات زیربنایی این پدیده های جدید بی اطلاع بمانند و برای شناخت درست آن اقدامی نکنند و نتوانند نسبت درستی متناسب با شرایط تاریخی و اجتماعی خویش برقرار کنند.



• تاسیس نیروهای «امنیه یا «ژاندارمری» ایجاد و تقویت نیرو اینظامی وابسته به استمار روسیه نظیر نیروی قزاق و نیروهای وابسته دیگری مانند «پلیس جنوب که به دست استعمارگران انگلیسی اداره می شد و نیز تشکیل کمیسیون نظامی به واسطه قرارداد ننگین ۱۹۱۹ میلادی بین ایران و انگلستان برای ایجاد ارتش سراسر مبتنی بر نظام سربازگیری اجباری از نتایج دور جدید رویارویی ایرانیان با ساختارهای غربی بود. در این رویارویی جدید، ایران با ساختار نظامی غربی، ارتش سنتی و مبتنی بر نظام ایلیاتی ایران از هم فروپاشید و امنیت عمومی و اقتدار سیاسی ایران در پرتو سازمان های رنگارنگ و وابسته نظامی و نیز نبود نظام سربازگیری کارآمد به خطر افتاد.

1919

- این وضع تا سال های نزدیک به مشروطه نیز همچنان ادامه داشت، فرآگیر شدن بحران امنیت و نظامی در سال های پس از مشروطه سبب شد تا وام گیری از سطح تجهیزات و تکنولوژی نظامی به سطح الگوگیری از نهادهای نظامی غربی برسد.

سطح تجهیزات و تکنولوژی نظامی



• سرانجام در آغاز قدرت رسیدن رضاخانف استفاده از سازکارهای نظامی غربی به ایجاد ارتش مدرن و نظام وظیفه عمومی و سپس دولت یکپارچه منجر شد. رضاخان که با کودتای نظامی سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی و حمایت آشکار و پنهان بریتانیا به قدرت رسیده بود، می‌کوشید برای ثبات و توسعه حکومت خویش و همسو با تحقق کامل توافقات نظامی قرارداد سال ۱۹۱۹ میلادی ساختار نظامی سنتی ایران را از اساس دگرگون کند (غاقلی، ۱۳۹۰، ۱۰)

رضاخان

• او به همین منظور با ایجاد قانون خدمت اجباری سربازی و سپس خلع عمومی و در نهایت، انحصار قوای نظامی در قشون یک شکلف تغییرات ساختاری خود را عملی کرد، ابته تغییرات او در قشون و امور نظامی متوقف نماند، بلکه او این اقدامات را زمینه ای برای هویت یابی ایرانیان بر اساس ملیت و نفی عناصر دینی و تغییر ساحت اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران قرار دارد.

ملیت و نفی عناصر دینی

• هر چند اقدامات رضا خان- که بیشتر با همسویی جریان روشنفکری تجدد خواه و حمایت قدرت های استعماری صورت می گرفت- به صورت یکپارچه و پیوسته در طو دوره بیست ساله انجام شد و تفکیک آن ها چه به لحاظ تحلیلی و چه به لحاظ واقعیت تحلیلی امری دشوار است. برای بازشناسی نقش و وزن هر کی از این اقدامات و نیز تدوین تاریخ نظام وظیفه در این مقاله می کوشیم تا چگونگی ایجاد و نقش نظام وظیفه عمومی را در چارچوب طرح نوسازی سیاسی و اجتماعی پهلوی اول در ایران مطالعه و بررسی کنیم.

- در این پژوهش به این پرسش‌ها پاسخ خواهیم داد: تاریخ شکل‌گیری و تحول نظام وظیفه عمومی و رابطه آن با ارتش و دولت مدرن در کشورهای عربی چگونه بوده است؟ زمینه‌های شکل‌گیری خدمت اجباری عمومی در حکومت پهلوی اول چگونه بوده است؟ این پدیده مدرن چه نقشی در طرح ملت سازی رضاخان داشته است؟



۲- نظام وظیفه عمومی و ظهور دولت- ملت ها



• به طور کلی، ارتش به جمع کلیه قوای نظامی یک کشور یا حکومت یا سرزمینی اطلاق می شود. به معنای محدودتر، همچنین به عده ای که با شرکت افراد کلیه رسته ها سازمان داده شده یا به عبارت بهتر به گروهی مرکب از چندین عام که منحصرا به وسیله‌ی یک فرمانده، رهبری می گردد، گفته می شود (عاطفی، ۱۳۴۵، ۶۷)

رضاخان

- در طول تاریخ، گونه های مختلف نظامی گری و ارتش وجود داشته که تابع نظم و ترتیبات تمدنی بوده اند. نیروهای نظامی به لحاظ تاریخی و ماهیت جنگ ها و ویژگی مبارزان و انگیزه هایشان برای جنگ به چند گونه کلی تقسیم یم شوند: سپاهیان مقدس، طایفه ای و ارتش های حکومت های ملی مستقل. انواع ابتدایی ارتش در تمدن های باستانی مانند فینقیه، مصر، چین، یونان و ایران پیدا شدند.

تاریخی و ماهیت جنگ ها

• بیشتر این ارتش های باستانی **سربازان مقدس** نیز به شمار می رفتند. این سربازان هم از موجودیت و کیان مقدسات دفاع می کردند و هم ضامن اجرای دستورات دینی بودند. به تدریج با شکل گیری امپراتوری ها، وظایف این سربازان مقدس بیشتر شد و شکل تازه ای یافت و امپراتوری های عصر باستان دارای سازمان های نظامی مشخصی شدند. با وجود این در تمام دوره های باستانی، سربازان ارتش ها به زمین و دام وابسته بودند و نظامی گری مهارت مجرایی به شمار نمی رفت. اما کم کم با گسترش شهر ها تشکیل ارتش های منظم برای دفاع از مرزهای امپراتوری هادر مقابل حملات خارجی گریزناپذیر شد.

گسترش شهر ها

ضامن اجرای
دستورات دینی

- هر چند سرگذشت ارتش و نیروهای نظامی در شرق و غرب دنیای باستان متفاوت بوده، وجه مشترک در همه سربازان باستانی، سلحشوری و رزم آوری آن‌ها به عنوان ارزش برتر و فرازمندی و مقدس است. با ظهور ادیان ابراهیمی به ویژه مسیحیت و اسلام صبغه دینی این سلحشوری تشدید شد و امید به پاداش اخروی برای گستراندن دین به واسطه جنگاوری در دنای، به دیگر ویژگی‌های سربازان مقدس افزوده شد.

ظهور ادیان ابراهیمی به ویژه مسیحیت و اسلام

• بیشتر جنگ‌های این دوره که در منابع رسمی تاریخ از آن با عنوان قرون وسطی با دوره میانه یاد می‌شود. با انگلیزه‌های دینی رخ می‌داده است جنگ‌های مسلمانان با امپراتوری‌های ایران و روم برای توسعه حکومت مسلمانان و نیز جنگ‌های صلیبی از این دست جنگ‌ها به شمار می‌روند. هر چند بسیاری از این جنگ‌ها نظیر لشکر کشی‌های صلیبی بود. در این دوره سربازان (جنگ‌گاوران) به فرمان رهبران دینی و برای امت خویش یا ربای تامین منافع محلی و طایفه‌ای به نیروهای نظامی می‌پویستند.

تامین منافع محلی و طایفه‌ای

- تبدیل شدن سربازی به بخشی از نهاد ارتش مدرن (و نه به وظیفه ای دینی) به ابتدای دوره صنعتی شدن بر می گردد.

- **انقلاب علمی - تکنیکی - صنعتی** از کشفیات و ابداعات علمی و کاربرد صنعتی آن ها در اواخر قرن هجدهم و ازانگلستان آغاز شدو به سرعت اروپای غربی، آمریکای شمالی، روسیه و سرانجام تقریبا کره زمین را نیز در بر گرفت. کشورهایی که در انقلاب صنعتی پیشناز بودند، توانستند حوزه نفوذ خود را بر دیگر مناطق گیتی بگستراند (می یر، ۱۳۷۱، ۸۲)

بخشی از نهاد ارتش مدرن

• برتری این کشور در تکنیک پیشرفته تر و تولیدات بیشتر نظام صنعتی و از جمله قدرت نیروی نظامی استوار بود البته، این ابداعات صنعتی با **تحولات گستردگی اجتماعی** همراه بود. هر چند به طور دقیق نمی توان گت کدام یک از این دو عامل بر دیگری اولویت دارند، تحقیق هیچ یک بدون دیگری و به تبع آن، شکل گیری ارشاد و دولت مدرن، به عنوان یکی از اولین سازمان های بوروکراتیک ممکن نبود. در واقع **پیدایش دولت مدرن** یا ابداعات تکنولوژیک و تقسیم کار اجتماعی رابطه تنگاتنگی داشت.



- غلبه نگاه تکنیکی در کنار پیشرفت ابزار و سلاح ها و نیز اعمال تکنیک های مختلف روی شایه گوناگون سازمان دهی اجتماعی را دگرگون کرد و این امکان را فراهم آورد که جوامع اروپای غربی بر جوامع دیگر برتر یابند. این برتری فقط با اختراع یک وسیله یا یک نوع اسلحه و بدون طرح و تکنیک صورت نگرفت، بلکه تقسیم کار اجتماعی توانست پیدایش ارتش، وقوع جنگ های پیشرفته و نیز سرابزی همگانی (**نظام وظیفه اجتماعی**) را امکان پذیر کند.



غلبه نگاه تکنیکی

- در واقع بین نظام سربازگیری عمومی و منطق تخصصی شدن تجدد ارتباط محکمی هست، از ان جایی که در جامعه مدرن فعالیت‌ها و امور اجتماعی به دلیل پیشرفت فن آوری به سمت پیچیدگی گرایش یافت، هماهنگ با این امر، نظامی گری و ارتش نیز از قالب فعالیت عام و همگانی خارج شد و به صورت حرفه‌ای تخصصی درآمد در فرایند تقسیم کار اجتماعی و تخصصی شدن به عده‌ای خاص از افراد هر جامعه آموزش داده یم شد تا مسئولیت دفاع از منافع جامعه را به عهده گیرند.

فعالیت عام و همگانی

- با گسترش تقسیم کار، آموزش های نظامی هم تخصصی شد و دانشکده های افسری برای سازمان دهی ارتش دائمی به وجود آمدند. تقسیم کار اجتماعی، و تخصصی شدن آموزش های جنگی و تاسیس پادگان ها و آموزشگاه های نظامی به ایجاد **بوروکراسی نظامی** مجر شد بیشتر شدن آموزش و تجربه ناشی از تخصصی شدن، سلسله مراتب فرمان دهی و سازمان اداری ارتش را گستردۀ کرد و در پایین ترین نقطه این هرم بوروکراتیک «سرباز وظیفه» جای گرفت.

- پس از تقسیم کار و انقلاب تکنیک - اقتصادی یکی از مهم ترین عواملی که به ایجاد سربازی وظیفه کمک کرد. تغییر در ساختارهای سیاسی بود.

انقلاب تکنیک - اقتصادی

تغییر در ساختارهای سیاسی



• انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه در کنار ترویج افکار و عقاید حق اعمال حاکمیت ملی به وسیله خودمردم، ارزش هایی مانند آزادی، برابری و نیز «بسیج عمومی» با خود به همراه آورد. ارتش ملی به مفهوم جدید، در طی انقلاب فرانسه ابداع شد. اصل نظام وظیفه عمومی ارتباط میان ارتش و ملت را تقویت می کرد. در سال های اولیه انقلاب، سربازان، افسران خود را برمی گزیدند.

- به موجب قانون اساسی سال ۱۷۹۳ هر فرانسوی سرباز ملی محسوب می شد ارتش انقلابی فرانسه بدین علت توانست نقشه سیاسی اروپا را تغییر دهد که این ارتش علی رغم ارتش های قدرت های پادشاهی مطلقه بر همگانی بودن خدمت نظام وظیفه و «بسیج کلیه افراد ملت مبتنی بود (می یر، ۱۳۷۲، ۸۴)





ناپلئون

• قدرت بی اندازه این نظم بوروکراتیک عمومی - که در قالب نظام وظیفه عمومی شکل گرفته بود و به ناپلئون اجازه می داد تصمیماتش را با یعن تخمین بگیرد که هر ماه قادر است سی هزار سرباز را به کشتن بدهد - در تفوق جهان مدرن بر عالم، کمتر از به کار بستن همین نظم بوروکراتیک در سازمان عقلانی کار و در جهت تولید انبوه اقتصادی نبود از دیگر سوء رقابتی بر سر مرگ و زندگی بر گرفته بود که هیچ کشوری را در به کار بستن این قانون به تردید نمی انداخت (ملا عباسی، ۱۳۹۰، ۲)

- پیتر مییر در کتاب جامعه‌شناسی جنگ و ارتش در این باره می‌نویسد:
- افزایش ارتش‌های نظامی میان توده‌ها نمی‌تواند بی‌تأثیر از برخورد حکم رانان باشد این تاثیر را در برخورد شاهان قرن نوزدهم می‌توان به خوبی ملاحظه کرد که ابتدا پس از شکست‌های سرنوشت در جنگ حاضر شدند به اجرای قانون نظام وظیفه تن دهنده همگانی شدن و اجبار خدمت سربازی از سوی دیگر به تقویت دولت-ملت نیز یاری رساند.

• تجلی و نمود تاریخی این امر را می توان در بسط ایدئولوژی ناسیونالیسم جوامع اروپای غربی مشاهده نمود. رابطه تنگاتنگ نژاد پرستی و ایدئولوژی ناسیونالیسم با شرایط متغیر در بخش های تکنیکی، اقتصادی، سیاسی و استراتژیکی موجب متزلزل شدن ترتیبات ساخت های بیرونی و درونی جوامع می گردد. در این دوران در اروپا انتخابات عمومی جایگزین سیستم انتخابات طبقاتی شده و همزمان قانون نظام وظیفه عمومی به اجرا گذاشته می شود (۱۳۷۱: ۱۰۰)

جایگزین سیستم انتخابات طبقاتی

۳- سیر تحول سربازی در ارتش ایران: از دوره قاجار به پهلوی اول (از بنیچه تا نظام وظیفه عمومی)



نادر شاه

تا پیش از دوره پهلوی اول، شکل نیروهای نظامی تحلیل جایی و دست به دست شدن حکومت‌ها در طول تاریخ ایران، بسیار دگرگون شده بود پس از تغییرات گسترده و کوشش پادشاهان صفوی برای نظام سازی ساختار نظامی به طور تقریبی از یک وحدت شکلی و منطق عملکردی واحد پیروی می‌کرد و حکومت‌های دوره‌های زندیه و قاجارت قبل از پهلوی، کمتر توانستند نظام نوینی را جایگزین آن کنند. در تمام این دوران، اساس سپاه ایران عشاير بود. سپاه قزلباش - که مهم‌ترین نیروی نظامی صفویان بود - و نیز سپاه نادر و کریم خان زند چنی ماهیتی داشتند.

- در تمام این دوران نیروهای عشایر و ایلات قدرت و اقتدار قشون و حتی سرنوشت پادشاه و سلسله حاکم را تعیین می کردند. علاوه بر عشایر و روستاییان، جنگاوران شهری و سرکرده های حادثه جو نیز به طور خودجوش و نه نظام یافته به سپاه ایران می پیوستند و در جنگ برای تصاحب سلطنت با حمله بیگانگان شرکت می کردند (تمکیل همایون، ۱۳۷۶، ۱۳۰).

به طور خودجوش و نه نظام یافته

• در واقع سازمان اجتماعی ارتش ایران هنگام وقوع جنگ یا فتور ناشی از انحطاط سلسله ها شکل می گرفت و جز دوره صفوی که شمار مشخصی از نیروهای قزلباش همیشه در رکاب شاه در پایتخت حضور داشتند و نیز دوره کوتاه نادری که سپاه ایران پیوسته به علت جنگ های متعدد آماده رزم بود (همان، ۲۴-۷۹)

سازمان اجتماعی ارتش ایران

- ارتباط ارتش با اجتماع، سراسری و همه گیر نبود ارتش از اجتماعات عشیره شکل گرفته بود و با طبقات دیگر جامعه در ارتباط نبود. یعنی ارتش و نظامی گری یک طبقه اجتماعی فراگیر یا حتی یک صف نبود نظامی گری برای بسیاری از سربازان و نظامیان حرفه ای گذرا بود و اموزش های نظامی و سرباز گیریف بخشی از آمزه های ضروری زندگی ایلی بود که اوایل دوره قاجار، سازمان نظامی و شکل ارتش و نیروهای نظامی و سربازان حاضر در آن به همین ترتیب بود

یک طبقه اجتماعی فراگیر



Abbas میرزا

• پس از جنگ های یاران و روس و شکست های پی در پی ایران عباس میرزا، ولیعهد قاجار و یز قائم مقام فراهانی و سپس امیرکبیر اقداماتی به منظور تغییر و اصلاح ساختار ارتش (یا مشارکت دولت های خارجی انگلیسی فرانسه و روسیه) انجام دادند. اما هیچ یک از این اقدامات پراکنده و گذرا به ثمر نشست. زیرا این تغییرات در ایران تحت تاثیر نیروهای بیرونی و تحولات جهانی و فقط به صورت ظاهری رخ داد. در واقع این اصلاحات در ایران از جایی شروع شده بود که در غرب به پایان رسیده بود. پدیده هایی که در ایران اصلاح و بازبینی شدند فحلقه های میانی و پایانی فرایند ایجاد نهاد ارتش نوین بودند.

• آموزش های استراتژی های جنگی جدید و ساخت سلاح های پیشرفته مثل توپ و تفنگ انفرادی همچ یک به برپایی نهاد ارتش مدرن در ایران منتهی نشد. زیرا استراتژی ها و سلاح های مدن زمانی می توانند کارآمد باشند که ساختارهای نوین اعم از بوروکراسی و دولت مدرن شکل گرفته باشند. از سوی دیگر ناآشنایی کارگزاران حکومت قاجار با معادلات دنیای متجدد و روابط بین دولت های استعمارگر بی کفایتی ایشان و درک سطحی نخبگان سیاسی و روشنفکران از پیشرفت هیا نظامی کشروهای غریب مانع از این می شد که طرح های اصلاحی به طور کامل اجرا شود.

آموزش های استراتژی های جنگی جدید و ساخت سلاح های پیشرفته

- نخستین تلاش‌های نوسازی نیروهای نظامی ایران در دوره فتحعلی شاه و به دست عباس میرزا، ولیعهد انجام شد. در واقع این دوره گام‌های نخست برای تشکیل ارتش یک شکل با سازمان رزم جدید برداشته شد.

تشکیل ارتش یک شکل با سازمان رزم
جدید

- اصلاحات نظامی عباس میرزا در قشون بر آموزش نظامیف ساخت سلاح های جنگی و نیز تغییر سازمان رزمی با سرمشق گرفتن از امپراتوری عثمانی استوار بود. اما همچنان ارتش به عشاير و روستاییان وابسته بود. هر چند اصلاحات نظامی عباس میرزا متأثر از مدل های غیر ایرانی به ویژه فرنگ (ابتدا فرانسه و سپس انگلیس) بود. در این تحولات بیشتر استفاده از تکنیک و سلاح های پیشرفته و فنون جنگی مورد توجه بود و به سازمان اجتماعی نیروهای نظامی، انتظامی و شکل ان ها و ارتباطشان با دولت و جامعه توجهی نشد.

سرمشق گرفتن از امپراتوری عثمانی



امیر کبیر

- اصلاحات نظامی در دوه رهای بعدی سلطنت قاجار نیز ادامه یافت که مهم ترین آن ها اقدامات میرزا تقی خان امیرکبیر نخستین صدر اعظم ناصرالدین شاه بود امیرکبیر برای تقویت بنیه دفاعی کشور و بی نیاز کردن نیروهای نظامی ایران از دولت های خارجی، به نوسازی صنایع نظامی و اموزش های نظامی روی آورد.

نوسازی صنایع نظامی و اموزش های
نظامی



دارالفنون

• در دوره وزارت او کارخانه های باروت سازی، توب ریزی، اسلحه سازی و تهیه ساز و برگ در تهران، تبریز، مشهد و اصفهان و نیز مدرسه دارالفنون برای افراد متخصص و نظامی و فنی تاسیس شد (تقوی، ۱۳۸۹، ۱۳) او برای تشکیل ارتش دائمی و قدرتمند کوشید تا نظام به کارگیری سرابز و نظامی را در قشون ایران دگرگون کند. امیرکبیر با تغییر و اصلاح قوانین نظامی، سربازگیری داوطلبانه را لغو کرد و بر پایه قانون بنیچه سربازان را به صورت اجباری به خدمت گرفت.

بر پایه قانون بنیچه

تشکیل ارتش
۱- دائمی و ۲- قدرتمند

30

• به موجب قانونی که او بنا نهاد، برای مملکت سی هزار قشون حاضر السلاح (اماده رزم) و شصت هزار نفر ذخیره در نظر گرفت شد که از میان مردم ایالات و ولایات مختلف جذب می شدند (همان، ۳۵) در واقع اولین تغییر اجتماعی در سازمان نظامی ایران در دوره صدارت امیرکبیر پدید امد. امیرکبیر که در **ایجاد اصلاحات و نوسازی** نیم نگاهی به تحولات شکورهای غربی داشت، با تغییر نظام سربازگیری و ایجاد نظام سربازی اجباری برای روستاییان، کوشید پیوند ارتش را با عموم مردم افزایش دهد. اما این نظام سربازگیری جدید برای قشون، اعتراض‌ها و ناخرسنی‌هایی را در بخش‌هایی از جامعه، به ویژه در میان زمین‌داران و اشراف زادگان و خوانین و نیز در دولت‌های استعمارگر به وجود آورد.

- ۱- زمین‌داران
- ۲- اشراف زادگان
- ۳- خوانین

• آن‌ها که ز دیرباز سربازان و نیروهای نظامی خاص خود را داشتند. اصلاحات امیرکبیر را برای توزان قدرت بین خود و دولت مرکزی قاجار نامناسب دیدند. به ویژه این که حکومت قاجار پس از **شکست‌های متعدد در جنگ‌های ایران و روس و شکست در هرات از انگلستان**، تمرکز و اقتدار سراسری خود را تا حدی از دست داده بود. به همین دلیل، استعمار بریتانیا و روسیه نیز هم صدا با اشراف زادگان مانع از ثمربخشی اصلاحات در قشون شدند.

ثمربخشی اصلاحات در قشون

- تعبیر دیگری که در نیروهای نظامی ایران اوآخر دوره قاجار به ویژه در سال های منتهی به مشروطه پدید امد. تاسیس نیروهای قزاق و ژاندرمری دولتی بود. هر چند در ابتدا هدف از تشکیل نیروهای نظامی حمایت از سلطنت و امنیت عمومی بود، در عمل ، در خدمت تامین منافع و خواسته های دولت های استعماری بودند و به الگوبرداری ناقص از نظام های اروپایی غربی پرداختند. تغییرات یاد شده در کنار تاسیس سازمان های نظامی یا ساختارهای وابسته و نیز **حران های سیاسی - امنیتی** پس از مشروطه به فروپاشی ارتش سنتی برآمده از نظام ایلی و عشايری ایران انجامید.

نظام ایلی و عشايری ایران

حمایت از سلطنت و امنیت عمومی

- تا پیش از تشکیل قشوں یک شکل و ایجاد نظام وظیفه عمومی بنیان ارتش ایران نیروهای داوطلب شهری و روستایی عشاير و جنگجویان ایلیاتی و نظام بنیچه بود. در این دوره و تا پیش از سال ۱۳۰۰ شمسی جذب سباز بر اساس روش بنیچه انجام می گرفت.

• مجلس شورای ملی سوم در ذیحجه ۱۳۳۳ طی چند جلسه مذاکره، قانونی به نام **قانون سربازگیری** را مشتمل بر هجده ماده به تصویب رساند. ماده اول آن اساس قشون گیری دولت ایران را بر روش بنیچه (خدمت اجباری خصوصی) قرار می داد مواد دیگر این قانون شرایط نی، دوره خدمات، حقوق و مزايا و تعداد نفرات ارتش را تعیین می کرد. بر پایه ای قانون ماده نفرات قشون صد هزار نفر در نظر گرفته شده بود. وزارت جنگ مسئول تدوین آیین نامه اجرایی و مامور اجرای آن شده بود (تقوی، ۱۳۸۹، ۳۶)

• هر چند طی تحولات اجتماعی و سیاسی دوره قاجار ساختار نظامی سنتی ارتش ایران از هم گسته شد، ساختار و سازمان نیروهای نظامی ایران تا پیش از تشکیل قشون یک شکل همچنان به عشاير و مناسبات ایلی بود. حتی در سال های نخست قدرت گیری رضاخان که اقتدار دولت مرکزی به طور کامل در کشور مستحکم نشد بود، نقش ایلات بسیار پرنگ بود عشاير در قالب گروه های بزرگ هم پیمان با حکومت مرکزی و روستاییان در قالب بنیچه جذب ارتش ایران می شدند. بر اساس این نظام مقرر شده بود هر ده به تناسب و تعداد بنه و جفت دایر خود که بر همان اساس مالیات نیز می پرداخت. تعدادی هم سرباز بددهد روش نتیجه تا سال ۱۳۰۰ شمسی که ارتش شکل منظم تری یافت. برای جذب و سازماندهی ارتش به کار گرفته می شد. در روش بنیچه برخلاف نظام وظیفه و ارتش دولت- ملت های مدرن اروپایی که بر ارتباط ملت و دولت استوار شده بود «اجتماع روستایی» مبنای بود (کرونین، ۱۳۷۷، ۲۷)

۴- «خدمت اجباری» و قلاش برای نهادسازی نظامی در دوره پهلوی اول

- دوره پهلوی اول، دوره نهادساز شبه مدرن و مدرن سازی دولتی در ایران است. این تحولات و اقدامات را روشنفکران نظریه پردازی می کردند و نظامیان به پیش می بردند. به گفته محمود افشار (۱۳۰۴؛ ۷۸-۷۳) این دوره حاصل اتحاد «**قلم و شمشیر**» برای مدرن سازی ایران و تکوین هویتی نو بر پایه ملیت و ملت گرای بود.



EASYDRAWINGART.COM



• روند نهادسازی در دو سطح و از دو سو حمایت می شد: حمایت خارجی آشکار از سوی دولت نهادسازی در دو سطح و از دو سو حمایت می شد: حمایت خارجی آشکار از سوی دولت استعماری بریتانیا و حمایت قسمتی از سوی جریان تجدد خواه داخلی هر دو جریان برای تحقیق اهداف و ایده های خود به دولت های مدرن نیازمند بودند. انگلستان تا پیش از روی کار مدن رضا خان و در سال های پایانی حکومت قاجار می کوشید منافعش را از راه بی ثبات کردن مجلس های پس از مشروطه و روی کار آوردن دولت های وابسته تامین کند.

- ۱- بی ثبات کردن مجلس های پس از مشروطه
- ۲- روی کار آوردن دولت های وابسته

- بریتانیا پیش از به قدرت رسیدن پهلوی‌ها و آغاز نهاد سازی نظامی او، به ضرورت ایجاد ارتش متحد در ایران پی‌برد:
- در تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۱۸ در جلسه‌ای به ریاست لرد کرزن وزیر امور خارجه انگلیس، اعلام شد که حفظ امنیت ایران در شمال، شرق و جنوب سالیانه سی میلیون پوند برای بریتانیا هزینه دارد. لرد کرزن برای کاهش این هزینه سنگین و ثبیت امنیت ایرانف پیشنهاد کرد که یک قشون ملی ایرانی، تحت نظر افسران خارجی و فرمان دهی یک ژنرال انگلیسی ایجاد شود و امور مالی ایران نیز با ساتفاده از کمیسیونی مرکب از متخصصان خارجی و هدایت یک نماینده از خزانه داری انگلستان اصلاح شود.



لرد کرزن

• با این پیشنهاد موافقت شد و کمیته شرق وزارت خارجه به سرپرستی شخص کرزن مامور اجرای آن شد. پس از مذاکرات سیاسی چندماهه و تطمیع طرف های ایرانی، در اوت ۱۹۱۹ میلادی (مقارن با ۱۲۹۸ هجری شمسی) قراردادی بین انگلستان و نخست وزیر ایران - وثوق الدوله منعقد شد بر اساس این قرارداد آرمیتاژ اسمیت، کارمند خزانه داری انگلستان مشاور مالی دولت ایران و ژانرال دیکسون ریس کمیسیون تجدید سازمان ارتش ایران شد (آشنا، ۱۳۸۸، ۲۶)

- به دلیل اوضاع داخلی ایران، ضعف اقتصادی انگلیس، رقابت دیگر دولت های استعماری نظر روسیه و مقاومت بسیاری از مردم و شخصیت های ملی، این قرارداد ابتر ماند و استعمار بریتانیا را بر آن داشت تا از برپایی حکومت جدید در ایران استقبال و پشتیبانی کند.



• اوضاع نامساعد اوخر دوره قاجار از قبیل فقر سراسری، بی نظمی و ناتوانی حکومت مرکزی در برقراری امنیت، زینه را برای ظهور حکومت جدید و نهادسازی نظامی به وجود آورد. در این برده تاریخی، با اجماع بین استعمار بریتانیا، روشنفکران غرب گرای داخلی و استبداد نظامی، دولت پهلوی به وجود آمد. پس از تاسیس این حکومت مجموع عواملی که از آن یاد شد، کوشیدند از دولت پهلوی به وجود آمد.

- ۱- اجماع بین استعمار بریتانیا
- ۲- روشنفکران غرب گرای داخلی
- ۳- استبداد نظامی



تدين

• پس از تاسی این حکومت مجموع عواملی که از آن یاد شد، کوشیدند از دوت پهلوی پشتیبانی کنند. این حمایت ابعاد متفاوت و گوناگونی داشت که یکی از آن ها کمک به نهادسازی بود. فراکسیون تجدد مجلس پنجم به رهبری سید محمد تدین، یکی از حامیان اصلی این نهادسازی بود. در این مجلس به موازات تصویب «طرح ماده واحد انقراض سلسله قاجاریه و برقراری حکومت به ریاست رضاخان پهلوی مجموعه ای از مصوبات در جهت نهادسازی نظامی، اقتصادی و سیاسی به وسیله نمایندگان انجام شد.

- تصویب قانون مجازات عمومی، تصویب قانون محاکمه انتظامی قضات، تصویب الغای القاب اعم از نظامی و غیر نظامی برای افراد عادی (قائمی نیک، ۱۳۹۰، ۵) از میان نهادهای یاد شده، ارتش و نظام خدمت اجباری عمومی اهمیت بسزایی برای تحکیم دولت نوپای پهلوی و تسریع ملت سازی در ایران داشت.

- ۱- تحکیم دولت نوپای پهلوی
- ۲- تسریع ملت سازی



یالمارنسن - فرمانده سوئدی
ژاندارمری

• در ۴ آذر ۱۳۰۰ رضاخان که از اردیبهشت همین سال، افزون بر فرماندهی قزاق، وزارت جنگ را نیز به عهده داشت، ژاندارمری را که زیرمجموعه وزارت داخله (کشور) بود، در قزاق ادغام کرد و ۱۵ آذر به خدمت فرمانده سوئدی ژاندارمری پایان داد. به این ترتیب، مهم ترین سازمان های نظامی و انتظامی کشور در یک سازمان متمرکز شدند و سازمان جدید، قشون نام ناده شد. در ۱۴ دی ۱۳۰۰ رضاخان در دستورالعملی که عنوان آن «حکم عمومی قشونی» بود، تحولات سازمانی نظامی و ساختار قشون جدید را اعلام کرد (تقوی، ۱۳۸۹، ۳۷)

• او با ادغام نیروهای قزاق و ژاندارمری در وزارت جنگ قشون یک شکلی پدید آورد که ابتدا موجبات نخست وزیری و سپس پادشاهی اش را فراهم کرد. اتحاد قشون در حالی صورت پذیرفت که در نیروی جدید، قزاق‌ها آشکارها بر ژاندارم‌ها برتری داشتند و از حقوق و مزایای مناسب برتری برخوردار بودند. زیرا همین نیروهای قزاق در کودتا و پس از آن رضاخان را پشتیبانی کردند. هین امر موجب نارضایتی و شورش‌هایی در قشون شد که از ان جمله قیام سرگرد لاهوتی در تبریز و شورش فرماندهان نظامی سرهنگ پولادین بود (کرونین، ۱۳۹۱، ۸۱-۹۱)

• بدون ارتش جدید، امکان شکل گیری حکومت رضاخان در ایران بسیار بعید می نمود. رضاخان کوشید تغییرات مورد ظنر سیاسی و اجتماعی اش را با تکیه بر ارتش یکپارچه به پیش برد. کار کردهای ارتش یک شکل برای حکومت پهلوی در سه دسته طبقه بندی می شود: ۱- ارتش جید و یک شکل بخش مهمی از فرایند نهادسازی مدرن ۲- برقراری نظام سیاسی یکپارچه و متمرکز و سرکوب کانون های دیگر قدرت در سرتاسر ایران ۳- شکل دادن به هویت جدید ایرانی مبتنی بر ایده ملی گرایی (طرح ملت سازی حکومتی)

• آنچه در فهم اقدامات گاه هماهنگ رضاخان و تجدد خواهان مستقر در مجلس در تصویب قانون سربازی و تقویت ارتش جدید اهمیت دارد، توجه به ارتش و نیروی نظامی به عنوان بخشی از رح مدرنیزاسیون و توسعه ملت سازی حکومتی است. شاهد ادعاهایمان این است که با مرور عملیاتهای نظامی آن دوران در می یابیم ارتش در طول سال های حکومت پهلوی اول (۱۳۰۴ - ۱۳۲۰) در هچ ماموریت فraigیر و سرنوشت ساز جنگی برون مرزی شرکت نکرده و حتی در نبردهایش در برار مقاومت ها و شورش های داخلی نیز بیش از آن که به استعداد و استراتژی و قوه جنگی ارتش متکی باشد، به **حیله های سیاسی و اقتصادی** (نظیر رشوه و باج دادن به سران قدرتمند محلی) وابسته بود (همان ۶۸-۶۶)



شیخ خزعل

• نمونه بارز این سیاست در شورش بختیاری ها در سال ۱۳۰۸ و سرکوبی شیخ خزعل در خوزستان مشاهده می شود. از این رو، در فهم اقتضایات و الزامات ایجاد ارتش جدید و نظام سربازی اجباری در حکومت پهلوی در تحلیل چرایی پیدایی و تداوم سربازی، وزن اصلی را مولفه هایی مانند نوسازی و گسترش تجدد و ملت سازی در ایران داراست.

- ۱- نوسازی
- ۲- گسترش تجدد
- ۳- ملت سازی

نظام خدمت اجباری و طرح ملت سازی

به گفته بسیاری از محققان، مهم‌ترین تغییری که در ارتش جدید دوره پهلوی اول رخ داد و توانست در جهت توسعه ملی گرایی در ایران عمل کند. اجرای نظام سربازگیری اجباری بود (آبراهامیان ۱۳۹۱، ۱۳۳) با اجرای این ساز و کار جدید، برای اولین بار دولت مرکزی در ایران به توده‌ها و مردمان خود به چشم منابع قدرت نگریست. رضاشاه که تجربه ترکیه و کشورهای اروپایی را در استفاده اجباری از شهروندان در ارتش دیده بود، مصمم به اجرای سربازگیری اجباری شد.



استفاده اجباری از شهروندان در ارتش



• یکی از مهم ترین پایه های دولت ملی مقتدر که ایرانیان پس از مشروطه به آن اندیشیده بودند، نظام وظیفه عمومی بود سربازی نه تنها برای تثیت و توسعه حکومت پهلوی مهم بود. بکه گروه هایی از مردم و روحانیان و جناح معتدل اصلاح و غیر وابسته هم به رهبری آیت الله سید حسن مدرس در مجلس شورای ملی از بر پایی نظام وظیفه عمومی حمایت کردند. کرونین در کتاب ارتش و تشکیل حکومت پهلوی درباره اهمیت سربازگیری اجباری در اذهان نخبگان ایرانی می نویسد:

سید حسن مدرس

• معرفی سیستم نظام وظیفه اجباری عمومی از آرزوهای دیرین اصلاح طلبان ایرانی بود که معتقد بودند **وجود یک ارتش نیرومند و ملی برای نوسازی و پیشرفت کشور** کاملاً ضرورت دارد. اعتقاد ایرانیان به کارکردهای منسجم سربازگیری به قدری نافذ بود که راه حل تاسیس یک ارتش حرفه‌ای کوچک هرگز مورد توجه قرار نگرفت. در اوایل ۱۳۰۰ هجری شمسی خدمت نظام اجباری به عنوان یک گام لازم در راستای توسعه ملی شناخته می‌شد و حتی یکی از برنامه‌های حزب محافظه کار اصلاح طلبانه بود (۲۳۱، ۱۳۷۷)

• این اقدام برای اصلاح طلبان مجلس به قدری جذابیت داشت که آیت الله شهید مدرس در ظطق خود در مجلس، سربازی اجباری را بخشی از فروع دین اسلام و وظیفه عمومی مسلمانان و مصدقی از حکم «جهاد دفاعی» در زمان غیبت امام عصر (عج) دانست (عاقلی، ۱۳۹۰، ۲۱۸-۲۲۱)

• نظام خدمت جباری به عنوان یک طرح و دستور کار مهم از برنامه های حیاتی رژیم جدید و حامیان سیاسی و روشنفکر او بود. در بحبوحه تصویب قانون نظام وظیفه اجباری در مجلس روشنفکران تجدد خواه حامی رضاخان هم به تکاپو افتادند و این اقدام پیشروانه را مفید حال ملت و علاجی برای توده ها شمردند. از نظر آنان ورزش و مدرسه دو تمهید مهم بود که باید از جانب دولت برای **تریبت مردم و ساخته شدن ملت** به کار گرفته می شد. مدرسه نیز دو قسم بود قسمی که ادب و اسباب انایی را به مردم آموختش می داد و قسم دیگری مدرسه توانایی بود. سرباز خانه مدرسه توانایی بود و افراد در آن جا توانا شدن را می آموختند (انتخابی، ۱۳۹۰، ۱۸۳)

- احمد فرهاد از نویسنده‌گان مهم فرنگستان در شماره پنج این نشریه می‌نویسد:
- در دوره سربازی چون هر حکمی واجب الاطاعه است دیگر سرباز با تردید آشنا نمی‌شود چون باید جان به کف به جلوی خصم بدود ف هیچ شکلی از اشکال بیم و هراس ندارد، زندگانی در سرباز خانه در قلوب سرباز محبت و برادری تولید می‌کند، همنوع دوستی، وطن پرستی می‌آموزد.

• افزون بر این، از آنجا که در محیط سرباز خانه بحث سیاسی و اختلاف عقیده جایی ندارد، «اختلاف عقاید که برای کشور زبان بخشن است، از میان می رود و جوانان با حس وظیفه شناسی آشنا یم شوند: «این سربازان که همه تواند رشید و باز عزم تربیت شده اند. در اطراف مملکت متفرق شد ، **نظم و تربیت**، **اطاعت قانون**، **حس انجام وظیفه حب وطن و خانواده** را در هر گوشه تبلیغ می نمایند. (انتخابی، ۱۳۹۰، ۱۸۳)



• همچنین رضا خان در سخنرانی های خود در مجل و نیز مجله قشون - که ارگان مطبوعاتی و باگوکننده افکار سردار سپه و صاحب منصبان بر جسته نظامی بود- اجرای نظام سربازگیری اجباری و پیوند ارتش با ملت و تکیه بر نیروی انسانی سرباز را از مهم ترین الزامات تشکیل قشون مقتدر در دنیای جدید خواند. نویسنده مجله قشون این رابطه را این گونه شرح می دهد:

• جنگ های جدید میان دو پادشاه و برای جهان گیری نیست. میان دو مملکت و دو ملت برای کسب شرافت و عظمت ملت و توسعه تجارت وطن است. هر ملتی جاهد است که در ابزار وسیع دنیا متع خویش را بفروشد و بدین وسیله اسباب آسایش و سعادتمندی نفرات مملکت را فراهم نماید. به عبارت آخری، جنگ های امروز برای انحصار دادن خریدار و مشتری است دو پادشاه و دو قشون با هم در جنگ نیستند. دو ملت در مقابل یکدیگر برخواسته، شمشیر روی یکدیگر می کشند. در واقع نفس الامر نفرات یک قومی با قوم دیگری در جنگ هستند، از این جهت قشون از ملت بیگانه نیست یک جزء از ملت، بکه خود ملت است (مجله قشون، ۱۳۰۰، ۲)

• از دیدگاه نویسنده‌گان مجله قشون حال که منطق جنگ در دنیا تغییر کرده و ملت‌ها در برابر هم می‌ایستد، لازم است ارتقی جدید ایران هم به ملت خویش برای کسب قدرت تکیه کند. به این ترتیب نظام سربازگیری از محدود قوانین و اصلاحاتی بود که در محافل سیاسی پایتخت تقریباً همه نخبگان اعم از تجدد خواه، اصلاح طلب و روحانیون مجلس شورای ملی بر تصویب آن و نقشش در شکل دهی به دول و ارتقی مقتدر هم نظر بودند. هر چند هر یک از این گروه‌ها نظام اجباری را از نظر گاه خود تعریف می‌کردند و گاه این دیدگاه‌ها با هم متفاوت بود.

• همچنین باید افزود همه توجیهات نخبگان سیاسی و نظامی آن عصر برای همگانی کردن خدمت نظامی، لزوماً جزئی از طرح ملت سازی دوره پهلوی، به شمار نمی آمد. در نظر شهید مدرس، اجباری کردن سربازی اقدامی بود برای دفاع از کیان اسلام در برابر کفار نزد ملی گراها، این کار به یکپارچگی ایران و نفی هویت عشایری و قبیلگی ایرانیان کمک می کرد. از نظر رضاخان و امرای ارشاد داشتن سربازان پرشمار به منزله قدرت نظامی بیشتر بود. در واقع نطفه اولیه نظام وظیفه عمومی در شرایطی شکل گرفت که پایه گذاری آن کاملاً در کار کردهایش هم فکر نبودند و هر یک انتظارات خاصی از نظام وظیفه داشتند.

نفی هویت عشایری و
قبیلگی ایرانیان

• سرانجام قانون خدمت نظام اجباری مشتمل بر ۲۳ ماده در ۱۶ خرداد ۱۳۰۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. به موجب ماده اول آن، تمام اتباع ذکور ایران، اعم از شهری و روستایی و ایلات و افراد ساکن خارج از کشور، از ابتدای ۲۱ سالگی موظف به خدمت سربازی بودند و مدت خدمت نیز ۲ سال بود (آرشیو، قوانین م ش ۲۱۷، ۱۳۰۴)



• بدین ترتیب همه افراد مذکور بدون توجه به منطقه یا ایل آنان موظف به انجام خدمت سربازی شدند. **این امر نیازمند آمار دقیقی از افراد کشور بود**. و به همین علت، ابتدا اداره ای به نام اداره کل احصاییه و سجل احوال تشکیل شد و برای تعیین تعداد جمعیت کشور و ثبت احوال آنان نیز قانونی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. به تصویب قانون خدمت اجباری، دایرہ سربازگیری و نظام اجباری نیز در سازمان قشون تاسیس شد. این دایرہ در سال ۱۳۰۵ به اداره نظام وظیفه تغییر نام یافت و در سال ۱۳۰۷ با عنوان اداره نظام وظیفه عمومی معرفی شد. سازمان این دایرہ به تدریج تکامل یافت.

• به طوری که در سال ۱۳۰۹ شامل اداره مرکزی و هفت ناحیه و دو حوزه مستقل بود، مطابق سازمان های هفت گانه نظامی به هفت منطقه سربازگیری تعدل شد. این مناطق و نواحی تا سال ۱۳۱۴ از نظر تشکیلات سازمانی و امر فنی کاملاً تابع اداره مرکزی بودند. ولی از این سال از نظر انجام وظایف سازمان جزء پادگان ها و از لحاظ کارهای فنی تابع اداره مرکزی شدند. در سال ۱۳۱۶ با توجه به تقسیمات کشوری، کشور ایران از لحاظ نظام وظیفه و عمل سربازگیری به ده منطقه و هر منطقه به هشت شهرستان نظامی (حوزه های اصلی) به حوزه های فرعی تقسیم شده به طوری که در مجموع ۵۷۵ حوزه فرعی به وجود آمد. در نتیجه این سازمان های اداری همراه با گسترش ادارات ثبت احوال بود که نفرات مورد نظر رضا شاه تامین می شد (تقوی، ۱۳۸۹، ۶۴)

- تصویب خدمت اجباری یا همان نظام وظیفه عمومی خواسته و ناخواسته نهادهای نوین دیگری را به وجود آورد که تاسیس نظام ثبت احوال یکی از آن‌ها بود. در پی این اقدامات ایرانیان که تا پیش از این با نسب، مذهب، و ایل و طایفه خویش شناخته می‌شدند. با صدور شناسنامه و فراخوانی به ارتش و خدمت اجباری در چارچوب هویت ملی بر ساخته و القایی از سوی حکومت شناخته شدند. شاید بتوان گفت در طول دوره پهلوی اول، هیچ برنامه‌ای به اندازه نظام سربازی عمومی با گسترده‌گی بسیار و با اهتمام ویژه شخص شاه و مسئولان حکومتی و نظامی پیگیری نشد.

هویت ملی بر ساخته و القایی از
سوی حکومت

- بر اثر اجرای این برنامه و قانون:
- شمار سربازان ارتش ایران ناگهان قارچ گونه رشد کرد و از حدود ۴۲۰۰۰ نفر در سال ۱۳۰۹ به حدود ۱۰۵۴۵۱ نفر در سال ۱۳۱۲ و ۱۲۷۰۰۰ در سال ۱۳۲۰ رسید که در ۱۸ لشکر سازمان دهی شده بودند و قابلیت بسیج ۴۰۰۰۰۰ نفر نیز وجود داشت که با توجه به این که جمعیت فعال مذکور ایران در آن زمان، کمتر از پنج میلیون نفر بود، رقم عظیمی به شمار می رفت (کروتن، ۱۳۹۰، ۱۴)

• خدمت وظیفه سربازی ارتش ایران را دگرگون ساخت. این کار به عدم توازن قومی در تشکیلات نظامی ایران و برتری عنصر آذری ترکی پایان داد و سرانجام افسران و درجه دالاران و سربازانی پدید آورد که بازتاب دقیق ترکیب قوی کشور بودند. با این حال در کوتاه مدت، خدمت سربازی کارایی نظامی اندکی را نیز که ارتش قبل داشت، از آن گرفت. قدرت رزمندگی ارتش همیشه متکی به جنگجویان عشایری بود و کوشش می شد که به تدریج از وجود سربازانی که تحصیلات کافی و آموزش نظامی درست ندراند یا به شدت مرعوب شده اند، استفاده نشود (همان، ۷۵)

عدم توازن قومی

• اجرای قانون نظام وظیفه مانند بسیاری از قوانین دوره پهلوی اول، با **موانع و مقاومت های اجتماعی** روبرو شد. این مقاومت ها باعث شد رژیم پهلوی اجرای کامل سربازگیری اجباری را تا سال ۱۳۰۶ به تعویق بیندازد و پس از آغاز آن نیز در این سال، جنبش های مردمی در مخالفت با این قانون به رهبری علماء در شهرهای جنوبی و تبریز به راه افتاد. ضمن اینکه، هراس از کمیته های سربازگیری در کنار نارضایتی های دیگر، از عوامل شورش عشاير در سال ۱۳۰۸ بود. با این حال، رضا شاه درباره خدمت وظیفه - که به گمان شماری از محققان ستون مرکزی برنامه نوسازی او بود - قاطعیت داشت و سرانجام تصمی گرفت مقاومت ها را در هم بشکند. او در سال ۱۳۰۹ تا حد زیادی در انجام این کار موفق شد.

- با این همه، رژیم گرچه در تحمیل قانون خود بر شهرها و مناطق روستایی موفق بود. در سراسر دهه ۱۳۱۰ اولین تلاش های جدی و نظام مند برای سرباز گیری از میان عشایر انجام گرفت. اگر چه از آن زمان به بعد نیز، کار کمیته های سرباز گیری به کندی و سال به سال پیش میرفت.

تحمیل قانون خود بر شهرها و مناطق
روستایی

• با این حال در اوخر دهه ۱۳۱۰ سربازگیری از عشایر کاملاً فراگیر نشده بود و هنوز گه گاه با مقاومت های مسلحه پراکنده ای رو به رو می شد. وضع تقریباً با ثبات کشور و پایان یافتن شورش های عشایری در دهه اول قرن چهاردهم هجری باعث شد نظام سربازی عمومی به عنوان یک روش پایدار برای تامین نیروی انسانی ارتش پهلوی تثبیت شود (همان، ۷۷) اگرچه این نظام در دهه نخست قدرت یابی رضاخان پهلوی با **واکنش شدید اجتماعی** همراه بود، به تدریج این مقاومت ها شکسته شد.

۷-۴ تاثیر اجتماعی و فرهنگی نظام سربازی اجباری و شکل گیری ملت

- نظام وظیفه چه نقشی داشت که چه کرد و در مجموعه سیاست های دوره پهلوی اول چنین واکنش ها و مخالفت های عمومی را در بین مردم و رواحینیان به وجود آورد؟ بی گمان باید پاسخ این پرسش را در رابطه مردم و نظام سیاسی جست و جو کرد. در نگاه اول خدمت اجباری در ارتش برای اعضای جامعه و به ویژه جوانان یک ساز کار نظامی و امنیتی و حقوقی به نظر می رسد.

ساز کار نظامی و امنیتی و
حقوقی

- دولت و به تبع آن ارتش، نیاز خود به نیروهای آماده به کار در جهت حفظ امنیت عمومی و دفاع از مرزها را از طریق توده‌ها به صورت اجباری و نه خودخواسته بر طرف می‌کنند، اما سویه دیگر این اقدام تعرض و نفوذ دولت و قدرت سیاست به فرهنگ مردم بر زندگی شهروندان بود. پیش از تصویب چنین قانونی ارتباط بسیاری از اعضای جامعه با بوروکراسی (نظمی یا دولتی)

- ۱- حفظ امنیت عمومی
- ۲- دفاع از مرزها

• به طور کلی نظام سیاسی، گذرا و به ضرورت و برای رفع نیاز و البته خودخواسته لود. اما برای اولین بار در تاریخ نظام سیاسی در طی این دوره، دولت همه خانواده را موظف کرد برای تامین منابع انسانی ارتش جدید به نظام سیاسی پیوندند و از آن پیروی کنند. دنباله روی از این نظام سیاسی فارغ از دین و مذهب، عشريه و قبیله، خانواده، شهر و محله یا صنف بود و فرمان برداری از نظم دولت مرکزی در واقع، خدمت به طون و تحقق ملیت به شمار می رفت.

- به موجب قانون نظام وظیفه و نیز قانون محل احوال (ثبت احوال) رابطه احتمالی و گامی گاه شهروندان با نظام سیاسی به رابطه قطعی و تغییر ناپذیر تبدیل شد. دولت پهلوی افرادی را که در جامعه از مجموعه سیاست گذاری ها و اقدامات دولت ناآگاه و دور بودند، به زیر چتر هویت سازی و ملت سازی خود در آورد

- ۱- چتر هویت سازی
- ۲- ملت سازی

• نیابد فراموش کرد که در دوره پهلوی با وجود همه اصلاحات مدرنیستی و تغییرات ایجاد شده در نظام آموزشی و فرهنگی دولت همه فرایند جامعه پیری اعضای جامعه و به ویژه جوانان را در اختیار نداشت نفوس پرشماری از ایرانیان نه از سوادی برخوردار بودند که تبلیغات بنگاه های ایدئولوژیک رژیم را دریابند و از آن مهم تر، نه شهرونشین بودند که از تبلیغ های دولت متأثر شوند. در این میان تصویب قانون نظام وظیفه و اجباری شدن حضور افراد جامعه در خدمت نظامی نقشی پررنگ در فرایند ملت سازی داشت. آبراهامیان نقش وظیفه را در این فرایند این گونه تبیین می کند:

- ۱- اصلاحات مدرنیستی
- ۲- تغییرات ایجاد شده در نظام آموزشی و فرهنگی دولت

• قانون نظام وظیفه اجباری فقط منجر به توسعه ارتش نشد، بلکه سربازان مرد را از محیط های سنتی بیرون کشید و انان را برای نخستین بار در سازمان ملی مستحی کرد. سازمانی که در آن مجبور بودند به فارسی سخن بگویند، با دیگر گروه های قومی محسور شوند و هر روز و فاداری خود را به شاه پرچم و دولت اعلام کنند. دو سوم شممولان شش ماه نخست سربازی را به یادگیری زبان فارسی سپری می کردند. در واقع، یکی از اهداف طراحی این قانون تبدیل روستاییان و ایلات شهری وند بود. این قانون همچنین دریافت شناسنامه و نام خانوادگی را هم اجباری کرده بود. خود رضا شاه نام خانوادگی پهلوی را بر اساس نام زبان باستانی ایران که به فارسی مدرن تحول یافته بود، انتخاب کرد (۱۳۹۱، ۱۵۰)

• یکی دیگر از آثار مهم نظام خدمت اجباری در میان جوانان و مشولان وظیفه ایرانی که در این دوره به خدمت مردم می شدند، شکل گیری تصویر ایران در چارچوب مرزهای سیاسی و ملی بود. سربازان عشیره‌ای و روستایی ارتش جدید که اغلب تا پیش از ورود به خدمت سربازی فقط با **حدود و مرزهای سیاسی - فرهنگی** مطنه خود و گاه مناطق هم جوار آشنا بودند و به تصوری عینی تر از میهن خود دست می یافتد (Wilcon, 2011, 299)

• نظام وظیفه عمومی که گاه سربازان را مجبور به ترک مناطق خود و سکونت در شهرها و مناطق دیگر می کرد، باعث می شد تا سربازی و خدمت سربازی هم به تمایز و شباهت هویت محلی خود با هویت مناطق دیگر پی ببرند و هم به درکی از هویت ملی برسند که آن ها را در کنار هم در سرباز خانه، نگاه می داشت زیرا به گفته برخی پژوهشگران در ک ملیت و ملت، مستلزم شناخت جغرافیا و فرهنگ و سنت های فرهنگ خودی در برابر فرهنگ غیر است. در واقع سربازی با حضور در ارتش و خدمت اجباری با خود محلی و خود ملی - ایرانی رو به رو می شدند و به درکی از این دو می رسیدند (Ibid, 294)

شناخت جغرافیا و فرهنگ

از این رو، تصویب قانون نظام وظیفه و دیگر اقدامات رضاخان برای نهادسازی به سبک غربی را نباید فقط کوشش‌های پادشاه جدید برای نوسازی سیاسی و سامان بخشی امور تلقی کرد. رضا خان که با اتکا به قدرت نظامی و به روش کودتا و با حمایت استعمار بریتانیا روی کار آمده بود و پایگاهی مستحکم در بخش‌های سنتی جامعه ایران از جمله روحانیان، بازاریان، روستاییان و عشایر نداشت. به خوبی می‌دانست برای **تحکیم پایه‌های قدرت خویش** باید ساخت اجتماعی و چارچوب ارزشی و فرهنگی ایرانیان را دگرگون کند. زیرا فقط یک جامعه خلق الساعه و با هویت برساخته می‌توانست حکومت استبدادی او را تاب بیاورد. به همین دلیل کوشید نظم اجتماعی تازه‌ای برای ایرانیان برسازد که ملیت ایرانی با ریشه‌های ایران پیش از اسلام استوار باشد.

4

1

2

3

- اقدامات او در جهت اسکان عشاير، سرکوب قدرت های محلی و ترويج زندگی شهری در مقابل زندگی روستایی، تغيير نام بين المللي ايران از پارس (Persian) به ايران(Iran) تغيير ماه های عربي- اسلامي و تركی به فارسي، تغيير نام شهرها و آبادی ها و مناطق مختلف ايران، تاسيس فرهنگستان تغيير سال قمری به شمسی، راه اندازی سازمان پرورش افکار و شورای عالي فرهنگ و راديو و ارتباط جمعی، تغيير لباس، کشف حجاب و تخریب و نوسازی نظام سنتی معماري و شهرسازی ايران همگی اجرای نظمی نوین بودند که رضا خان برای تغيير جامعه ايران و تقویت بنیه های استبداد پهلوی تدارک دیده بود. البته، نباید از نظر دور داشت که او در اين مسیر همراهی و ياری نخبگان سياسي وابسته بر روشنفکران تجدد خواه را با خود داشت که پيش از مشروطه آرزوی تغيير فرهنگی و اجتماعی ايران را در سر می پروراندند.

- تثیت جایگزینی و گسترش نظم اجتماعی جدید در یک نظام اجتماعی، هم نیازمند سازمان و نهاد است و هم نیازمند اندیشه و ایدئولوژی جدید، از همین رو حکومت رضاخان می کوشید هر دو وجه را به دست آورد. ریچارد کاتم در ارزیابی تاریخ معاصر ایران بر این باور است که دولت رضاخانی با تکیه بر ایدئولوژی های ناسیونالیسم هدفی جز گسترش تجدد در ایران نداشته است.

نیازمند سازمان و نهاد

- ناسیونالیسم می تواند برای القای ارزش های آزادی خواهانه (لیبرالیستی) عامل مهم به شمار آید، حتی اگر ان ملت سنت تاریخی آزادی خواهی نیز نداشته باشد. کاتم در تبیین این ادعا سراغ گروه های روستایی مهاجر به شهر می رود و می گوید جوانان روستایی که تازه به شهر می آیند، بیش از فهم ارزش های لیبرالیستی، درکی از کشور و ملیت دارند.

- با این حال شکل گیری آگاهی نیازمند مکان و زمان است و اندیشه در خلاء شکل نمی‌گیرد و البته بسط نمی‌یابد. این قاعده فلسفی و عقلی در مورد رضاخان نیز مصدق دارد. او پیش از این که رضاخان شود، رضاخان میرپنج بوده است و اندکی بعدتر، وزیر جنگ، اما او نه مانند شاهان قاجاری بود که با جنگ قبیله‌ای بود به قدرت برسد و به زمانه او چنین اقتضائاتی را بر می‌تابید.

شکل گیری آگاهی نیازمند مکان
و زمان است

- او از نهادسازی تجدد بهره برد و به اقتضای ذاتی خویش و شرایط زمانه با نهادسازی نظامی کارش را آغاز کرد(قائمی نیک، ۱۳۹۰، ۷)
- همان طور که می دانیم هر جامعه ای برای ادامه حیاتش نیازمند نظم است و هیچ جامعه ای بدون برقراری نوعی نظم نمی تواند کار کردهی حیاتش اش نظیر انتقال ارزشها، هنجرها و باورها و ساختن نهادهایی برای بقا و تولید مثل نظیر خانواده را به درستی انجام دهد. از سوی دیگر، آشکار است که مبنای نظم در هر جامعه، نوع نظم مستقر در آن را شکل می دهد تا پیش از رویارویی جامعه ایران با جهان غرب مبنای نظم اجتماعی ایرانیان سنت و دین بوده است.

نوع نظم مستقر

- اما پس از رویارویی با فرهنگ و تمدن غرب را جایگزین مبانی نظم دینی حاکم بر جامعه ایران کنند. با جایگزینی علقه ها و ارزش های جمعی جدید، بنیادهای هویت ملی و ملت سازی شکل گرفت.

بنیادهای هویت ملی و
ملت سازی

• ان گونه که پیش از این نیز یاد شد، رضاخان و روشنفکران و سیاستمداران هم داستان با او، برای تحکیم حکومت و یکپارچه سازی قدرت و نوسازی در ایران کوشیدند و اقدامات بسیاری از تاسیس دانشگاه تهران و فرهنگستان تا راه اندازی بانک و نظام آموزشی جدید انجام دادند. اما به دلیل بافت اجتماعی روستایی و عشایری ایران آن روز هیچ یک به اندازه ارتش کارایی نداشت.

• در ارتش جدید که برایده‌های ملی گرایانه سامان یافته متنی بود، با اتکا به نظام وظیفه عمومی کوشش شد تا مولفه‌ها و نمادهای هویت ملی جدید در جامعه سنتی ایران ثبیت شود. ایده‌هایی که برپای ارتش و نظام سربازی عمومی را از سوی هیئت حاکم و روشنفکران آن روز ایران پذیرفتند می‌کرد، عبارت بودند از: تلاش برای به دست آوردن امنیت، رفاه و توسعه به کمک های نیروهای نظامی، نابودی و تضعیف هویت‌های قومی و محلی و یکدست کردن قدرت سیاسی و اجتماعی، تابع کردن افراد جامعه در برابر ارزش‌های مدرن از جمله قانون و در نهایت، خلق هویتی بر ساخته و خلق الساعه برای ملت ایران.

• به دلیل ماهیت ارتش که ذاتاً وظیفه دفاع از مرزهای میهن را بر عهده دارد. سربازان و نظامیان بسیار جلوتر از دانش آموزان و دانشجویان در معرض مستقیم آموزش های ملی گرایانه بودند. خدمت سربازی سبب شد دولت جوانان ایرانی را طی دو سال تحت آموزش های مورد نظرش قرار دهد. از آموزش های رایج و پیگیر سازمان نظام وظیفه، اموختن اصول و مبانی ایرانی بودن و وطن خواهی، شاه پرستی و تجدد خواهی سربازان بود. در این دوره به سربازان آموخته می شد که حب وطن اساس تربیت نظامی و در هر زمان، منشا پاک ترین احساسات سربازی است به آن ها آموخته می شد که ایرانیان ادب، شجاعت اخلاقی و جوان مردی را از ابتدای تاریخ نشان داده اند و منش نیک و کردار نیک از فرایض و خصایص ایرانیان است (معزی، ۱۳۸۷، ۲۷)

• نظام وظیفه به سربازان ایرانی بودن را می آموخت و آنان از طریق آموزش های این دوران، فرا می گرفتند که ایرانی کیست و چه خصوصیاتی دارد سربازان ضمن آموزش های دوره سربازی می آموختند که عوامل شخصیت ملی مانند عوامل شخصیت فردی به واسطه سه دسته آثار پابرجا می ماند: «**تمایلات نژادی**» که زمینه مشترک اخلاق ملی را می سازد. محیط جغرافیایی که در مجموع محسنات و معایب نژادی، اثربخش می شوند: «زمینه موروثی» که بر محیط اجتماعی اثر می گذارد در این آموزش ها سربازان فرا می گرفتند که اخلاق ملی در طول قرن های متмادی خلل ناپذیر می ماند. یعنی ایرانی بودن امری تاریخی و با اثبات است و خصوصیات های تاریخی ایرانیان نیز به این شرح بوده است:

• ایرانیان ادب، شجاعت اخلاقی و جوانمردی را از ابتدای تاریخشان داشته‌اند، پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک، از فرایض و خسال بر جسته ایرانیان محسوب می‌شد. ایرانیان قوم خارجی را در بین خود تدریجاً مستحیل می‌کنند و دوام و بقای ملت ایران را در معتبر نژادها، مذهب و تمدن‌های عالم به این **خصلت روحی ایرانی**، حمل می‌کنند (اکبری، ۱۳۸۴، ۱۱۴)

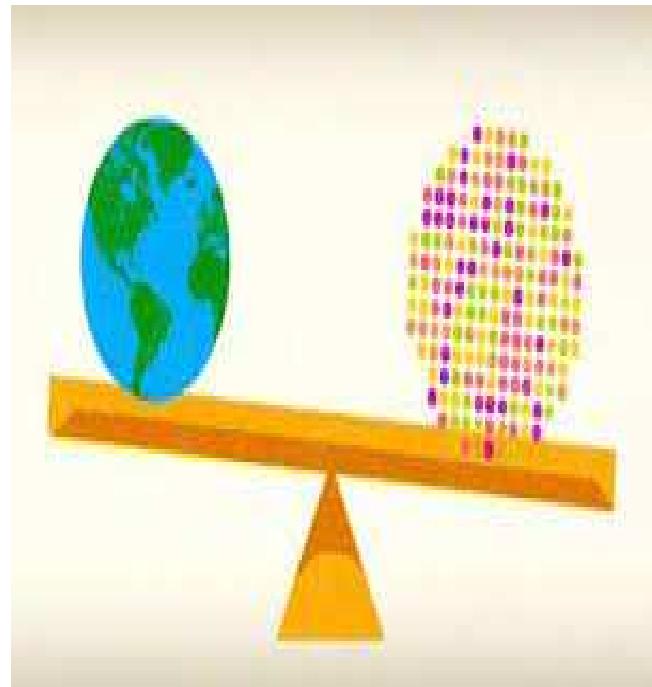
• نمادهایی هم که در دوره سربازی تبلیغ می شد بر عناصر ملی گرایانه جدید تاکید می کرد نمادهایی مانند سرود ملی، پرچم و لباس های یک شکل نظامی از این قبیل هستند. شاید با کمی اغماض بتوان گفت مهم ترین ایران اجرای سیاست فرهنگی متجددانه و نیز مدرنیزاسیون در ایران دوره پهلوی اول، ارتش و ساز و کارهایی نظیر سربازی بود. کروین (۱۳۷۷، ۲۳۸-۲۳۱) در کتاب ارتش و تشکیل حکومت پهلوی می گوید ارتش پهلوی اول و سربازان آن کارگزاران اصلی گسترش و ثبات ناسیونالیسم ایرانی، توسعه آموزش و راه سازی در سراسر کشور بودند.

اجرای سیاست فرهنگی متجددانه

• تغییر نظام سرباز گیری بیش از هر اصلاحات بنیادی دیگر، نظیر ادغم واحد های مختلف نظامی کمک کرد به این که ارتش به عنوان یکی از عوامل اصلی توسل به شیوه های غربی عمل کند. قانون خدمت وظیفه اجباری موجب شد روابط بین دولت و مردم تغییر کند هر ایرانی مذکور به دور از تعلقات قومی، قبیله ای و دینی، به عنوان یک شهروند به گذراندن مدتی از زندگی خود در چارچوب خاص با اموزش های جدید موظف گردید و از این طریق ازتش در خانواده ها نیز مداخله کرد. همچنین نظام وظیفه موجب شد حقوق وظایف شهروندان از طریق پیوند با یک دولت تعیین شود، برخلاف گذشته که جایگاه شخص در سلسله مراتب اجتماعی و ساخت قدرت مبین حقوق و وظایف فرد بود (شیخ نوری، ۱۳۸۵، ۲۹)

- ۱- جایگاه شخص در سلسله مراتب اجتماعی
- ۲- ساخت قدرت مبین حقوق و وظایف فرد

• نظام وظیفه علاوه بر کارکردهای آشکاری که در تقویت بنيه وزیرساخت های قدرت دولت داشت، کارکردهای پنهانی نیز داشت که یکی از آن ها وسیع شدن نظارت دولت بر حیطه های مختلف زندگی شهروندان و اعضای جامعه بود. نظام وظیفه عمومی فقط یک دوره برای آموزش فنون نظامی نبود. بلکه دولت با برپایی جلسات سربازگیری می توانست اطلاعات وسیع سجلی از شهروندان خود که در تهران یا دورترین روستاهای پیرم واقع در لارستان فارس بودند، به دست آورد (تهمک، ۱۳۹۳، ۲۰۲)



• با ورود سربازان به ارتش نیز حجم وسیعی از اطلاعات اجتماعی و سیاسی که ممکن بود در امر مدیریت و حکومت بر جامعه به کار گرفته شود، به دست می آمد. اگرچه مشخص نیست دولت پهلوی اول و حتی دولت های بعد چه میزان از این اطلاعات استفاده کردند، از چگونگی اجرای این قانون بر می آید که اطلاعات یاد شده در اختیار دولت و ارتش فرو می گرفته است. در جلسات سرباز گیری علاوه بر **شمارش** جمعیت مناطق شهری و روستایی و عشايری توسط کدخدایان، بخشداران، فرمانداران و حاكمان محلی و ماموران ثبت احوال و نیز معاینه طبی سربازان از میزان سلامت و بهداشت و شیوه زیست افراد مناطق مختلف آگاهی به دست می آمد.

- گرددآوری این دادهها - فارغ از اینکه مورد استفاده قرار می گرفتند یا نه خود - نشانه ای گویا از ایجاد راه نوین پیوند دولت و ملت بود (سازمان استاد، ش / ۲۴۷۵۴۳۷)
- محور دیگری که باید در فهم رابطه نظام وظیفه عمومی و ملت سازی در دوره پهلوی اول به آن توجه کرد، رابطه بین تغییرات هویتی و تغییرات ارزشی و ایدئولوژیک است. دگرگونی های هویتی فقط در حیطه ساختارهای اجتماعی متوقف نماند و به حوزه تغییرات ارزشی هم راه یافت. انگیزه جنگ که تا پیش از این دفاع از دین، ناموس و ارزش های خویشاوندی و قبیله ای بود. به دفاع از میهن تغییر پیدا کرد

تغییرات هویتی و تغییرات ارزشی و ایدئولوژیک

• نبرد و جنگ با دشمن برای سربازان که تا قبل از ایجاد نظام وظیفه عمومی، وظیفه دینی و همگانی در لوای حکم فقهی جهاد اسلامی بود، به وظیفه ای خاص برای عده ای خاص تبدیل شد. نهادسازی مدرن که خدمت اجباری و عام می کند. اما با «اجبار» عمومیتی که در جان مفهومی سکولار معنا می یابد. در این نظام اجتماعی جدید، انگیزه جهاد تغییر می کند.



ماکس وبر

• این بار بر خلاف بر گذشته در جریان جنگ های ایران و روس نه فتوای علماء بلکه اجبار دولتی انگلیزه نبرد نظامی را تعیین می کند. بنابراین هدف دفاع از اسلام نیست، بلکه دفاع از ناسیون (Nation) سات. مت سازی نیازمند انسان های هسته ای هستم از نظر بھرہ های معنوی و ماورایی و نیازمند دستورالعملی واحد و انگلیزه این جهانی برای سطوح مختلف، حیات اجتماعی است. به تعبیر ماکس وبر تجدد برخاسته از جهان عقلانی شده و افسون زدوده است. جهان اجتماعی که جهاد و عرصه نظامی آن تابع دستگاه سیاسی و حکومت نباشد، مانع فراگیری این ایده است (قائمی بیک، ۱۳۹۰، ۸)

۵- نتیجه

3

- رویارویی ایرانیان را با ساختار نظامی غرب می توان به **سه دوره متفاوت** تقسیم کرد:
- ۱- دوره اخذ فن آوری و آموزش های تکنیکی و سلاح های نظامی جدید
- ۲- دوره اخذ آموزش ساز کارهای نظامی و استفاده از مستشاران نظامی برای سامان دهی امور
- ۳- تلاش برای نوسازی و تاسیس نهادهای نظامی که به بروپایی نهاد های شبه مدرن ارتش ملی و نظام وظیفه عمومی منجر شد. آنچه تحولات نظامی و نظام وظیفه را در ایران از تجزیه تاریخی کشورهای غربی جدا می کند در دو تمایز بنیانی و کلیدی نهفته است: نخست این که تحولات در هر مرحله دون ارتباط با جامعه و به صورت برون زا رخ می دهد و جامعه ایران و بنیان های فرهنگی آن نه تنها در شکل دادن به تغییرات دخاتی ندارند. بلکه از این تغییرات برای دگرگون کردن ساخت سیاسی و اجتماعی ایران بهره گرفته می شود.

• نمونه بارز این ادعا، تشکیل نیروهای نظمی هم ارز و رقیب ارتش سنتی ایران است که در طی دوره دوم و پس از مشروطه شکل گرفت و هدفشان تامین منافع سیاسی و اقتصادی استعمارگران انگلیسی و روسی و امنیت تجارت خارجی آن‌ها بوده است و همچنین در دوره سوم، هدفشان تشکیل خدمت اجباری و خلع سلاح عمومی برای انحصاری کردن قدرت در دست رضا خان و کوتاه کردن دست ایلات و عشاير و روحانیون شیعه به عنوان نیروهای تاریخی موثر در بسیج مردم و تعیین کننده سرنوشت حکومت بوده است.

- تمایز دوم این است که پدیده نظام وظیفه که در اروپای غربی بخشی از سیر درون زای تکوین مدرنته و پیدایش جامه متجدد بود. در ایران به عنوان سازکاری برای سرکوب و تثیت دولت وابتسه و استبدادی به کار گرفته شد.

• اگرچه ایرانیان پس از جنگ های ایران و روس و به ویژه پس از مشروطه، به ضرورت ارتش قوی و یکپارچه مبتنی بر سپاهیان و سربازان دائمی پی بردند تا در مقابل تهدید های استعمارگران روس و انگلیس ایستادگی کشف ارتش ملی رضا خانی و **نظام خدمت اجباری** او هیچ گاه نتوانست این خواست را محقق کند. زیرا این ارتش ایجاد شده بود تا از کیان پهلوی دفاع کند و تغییرات متناسب با بقای او را در جامعه ایران از جمله ملی گرایی و ناسیونالیسم را محقق کند. به همین دلیل، سقوط رضاخان با فروپاشی به طور هم زمان رخ داد.

- با این حا سازمان و ساختار اجتماعی ارتش جدید متکی به نظام وظیفه در خدمت روند ملت سازی حکومتی بود. ارتش پهلوی اول یا اجرای نظام سربازگیری اجباری به برتری عنصر قومی در ارتش های پیشین و سنتی ایران که با علیه فرمان دهان و سربازان آذربای همراه بود، پایان داد. همچنین خدمت زیر پرچم برای همه ایرانیان ارتش جدید ایران را از وابستگی قومی و خانوادگی رها کرد. البته این ویژگی ارتش با ویژگی استوار نبودن حکومت پهلوی و شخص رضا خان بر مبانی مشروعیت سنتی (ایل و مذاهب) کاملاً مرتبط بود.

روند ملت سازی حکومتی

• رضا شاه نیز خود را وامدار قبیله و روحانیون شیعه نمی دانست و نظامیان را پشتیبان خود می خواند. قانون نظام وظیفه اجباری اگر چه در ذهن بسیاری از نخبگان سیاسی و نظامی و فرمان دهان قشون ایران اقدامی اساسی و ضروری برای تشکیل ارتش مقتدر می نمود. در نظر بسیاری از توده های مردم موجب اختلال در نظام معشیتی و زندگی شان در دوره پهلوی اول شده بود. این اختلالات سرانجام به مقاومت اجتماعی مردم در برابر قانون نظام وظیفه به رهبری علماء و روحانیان شیعه انجامید. اما در نهایت نظام وظیفه اجباری با وجود تمام مخالفت ها و نا آرامی ها به تدریج به عنوان شیوه ای پایدار برای جذب نیروی انسانی ایران ثبت شد و مقاومت ها نتوانست اصل قانون را به چالش کشد یا دگرگون کند.

مقاومت اجتماعی مردم

- نظام وظیفه عمومی به ارتش جدید پهلوی این امکان را داد که برای نخستین بار همه توده های جامعه ایران فراتر از قبیله و ایل، در چارچوب ارتشی متمرکز جذب شوند. سازگار نظام خدمت اجباری علاوه بر تامین نیروی انسانی ارتش در دوره پهلوی اول باعث شد از همه گروه های اجتماعی و فرهنگی سربازانی در نیروهای مسلح به کار گرفته شوند.

تامین نیروی انسانی ارتش

- این اقدام هم باعث بروز نارضایتی در میان بسیاری از طبقات مانند کسبه و کشاورزان و زمین داران ش که نیروی کار خود را به طور مجانی به مدت دو سال و بیشتر از دست می دادند و هم سبب شد برتری قومی و قبیه ای در ارتش جدید ایران به وجود نیابد. از بین رفتن برتری قومی و قبیله ای تا حدودی ابعاد ملی و تمرکز گرایی ارتش را تقویت کرد و زمینه را برای شکل گیری ایده ملت و ملت گرایی فراهم آورد.

ابعاد ملی و تمرکز گرایی ارتش